

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۱ | ۱۵ ربیع الاول ۱۴۴۴ | ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲ | شماره ۲۰۳۷ | سال هفتم

۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربرب کیفی ۶۷۴

hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli

سردبیر: فضل‌الله باری

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱

نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

## چیزک

محمدرضا شفیعی کدکنی ۸۲ساله شد

## شاعری از کوچه‌های نیشابور



نوزدهم مهرماه سالروز تولد «محمدرضا شفیعی کدکنی» با تخلص «م. سرشک» است. این شاعر، پژوهشگر، مصحح آثار کلاسیک، منتقد ادبی و استاد دانشگاه، سال ۱۳۱۸ در بخش کدکن شهرستان نیشابور به دنیا آمد. شفیعی کدکنی فردی جامع و کامل و در عین حال تاثیرگذار در عرصه ادبیات و شعر فارسی است و یکی از چهره‌های مطرح شعر معاصر ایران به‌شمار می‌رود. او سرودن شعر را از جوانی به شیوهی کلاسیک شروع کرد و پس از چندی به شعر نو روی آورد و با انتشار دفتر شعر «در کوچه‌های نشابور» نام‌آور شد.

معروف‌ترین شعر این مجموعه، «به کجا چنین شبان...» است که بیانگر گذر از یک جامعهی سست‌تر زده و استبدادی‌ست. شفیعی کدکنی از استادان بارز و متبحر ادبیات معاصر ایران به شمار می‌رود که در نقد شعر و ادب فارسی صاحب نظر است. او را دارای حضوری عمیق در دو اقلیم ادبیات کلاسیک و نوین می‌دانند. زبان شعر او فصیح و دقیق و روشن است.

در شعرهایش از دیدگاهی انسانی سخن می‌گوید که غالباً هم رنگ اجتماعی دارند. (تفسیر گرفت از این شب، در این حصار بشکن / در این حصار جادویی روزگار بشکن...) سال گذشته نیز در پی افزایش مرگ هموطنان‌مان بر اثر ابتلا به ویروس کرونا، شعر زیر را سرود: «هرگز ندیده بودم چشم تو را چنین / در خون و اشک غوطه‌ور، ای مام رنج‌ها! ای میهنی که در تو به خواری، مثل اسیر جنگی کی عمر زیستیم / زین‌گونه زیستیم و

هق‌هق گریستیم» شفیعی کدکنی برای برخی از بزرگان هنر نیز شعر سروده که از جمله آنها به شعر «در آن زلال بیکران» می‌توان اشاره کرد که بر «محمدرضا شجریان» سرود (او شجریان را در موسیقی آوازی ایران در جایگاهی می‌داند که حافظ در شعر فارسی دارد). یا شعر «کیبوت‌های من» که برای «عباس کیارستمی» سرود. شاعر به

## طوفان‌ها

## روزی که «کریستف کلمب» اشتباهی آمریکا را کشف کرد

در گذشت. پزشکان بعدها متوجه شدند کریستف مستقیم یا غیرمستقیم کشتار ده‌ها میلیون نفر از مردم بومی و عامل استعمار می‌دانند. بسیاری نیز او را به طعنه مؤثری که در گسترش فرهنگ و تمدن غرب ایفا کرده است، ستایش می‌کنند. فارغ از همه این بحث‌ها کریستف کلمب را از چهره‌های بحث‌برانگیز تاریخ باید به شمار آورد. با این که تمام دنیا او را به «کریستف کلمب» می‌شناسند، اما نام حقیقی‌اش «کریستوبال کولون» است. در برخی دیگر از زبان‌ها او را با نام‌های «کریستوفر کولومبوس» یا «کریستوفروس کولومبوس» نیز می‌شناسند. کریستف کلمب در جمهوری جنوا (بخشی از ایتالای کنونی) متولد شد. پدرش یک بافنده از طبقه متوسط بود و به نقاط مختلف سفر می‌کرد.

از همین رو، کریستف کلمب جوان به دریا دستری داشت. او نخستین بار در سن ۱۰ سالگی به دریا رفت. کریستف کلمب برای سفر کردن تلاش زیادی می‌کرد. شواهد موجود نشان می‌دهد او برای تأمین هزینه سفرهایش مشکلات زیادی داشت و تقریباً یک دهه طول کشید تا راه تأمین بودجه سفرهایش را پیدا کند. سرگذشت کریستف کلمب نشان می‌دهد که مدت‌ها پیش از این که او به آسیا و آمریکا سفر کند، حادثه تلخی را تجربه کرده است.

کشتی کلمب در سال ۱۴۷۶، در سواحل پرتغال مورد حمله فرانسوی‌ها قرار گرفت. این کشتی به طرز وحشتناکی سوخت و کریستف کلمب برای نجات جان‌ش مجبور شد تمام مسیر بازگشت به ساحل پرتغال را شناسا کند! کلمب بعد از تحمل سختی‌های بسیار برای دریافت مجوز و استخدام خدمه، ۳ اگوست ۱۴۹۲ سفر خود را آغاز کرد.

او با شش کشتی که از ملکه اسپانیا گرفته بود روز ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲، برای نخستین بار به سواحل آمریکای جنوبی رسید. او ساحلی که در آن پیاده شده بود را سان سالوادور نامید.

کریستف کلمب در ۴۱ سالگی به تقریب مبتلا شد. او در سال‌های بعد زندگی‌اش مرتباً به آنفلوآنزا، تب، خون‌ریزی چشمی و... دچار می‌شد. بیماری کلمب با گذشت زمان شدت می‌گرفت، چنان‌که در سال‌های پایانی عمرش مدت‌های طولانی در رختخواب می‌ماند. کلمب در نهایت بعد از ۱۴ سال دست و پنجه نرم کردن با بیماری‌های مختلف، ۲۰ می ۱۵۰۶، زمانی که فقط ۵۵سال داشت،

## داستانک



فیض شریعی  
داستان نویسن

این روزها و شبها هرچه که می‌خواهم، خسته تر از خواب بیدار می‌شوم،هم فکر می‌کنم اصلاً نمی‌خواهم، چون تمام روز و شب خواب می‌بینم که فکر می‌کنم خوابیده‌ام. در پایان این خواب‌ها آفاق بی‌درخت، تا دور دید من شتاب می‌گیرد، یادم نیست، خیلی چیزها از یادم رفته است. به شصت «شست» که برسی دیگر کسی محل‌سگ هم به تو نمی‌گذارد. تنها می‌شوی، تنها هم نباشی، باز فکر می‌کنی که تحمیلی هستی، فکر می‌کنی از سر ترحم به تو احترام می‌گذارند. تو هم که نیستی، نمی‌آیی، سرت شلوغ است، دنیا خیلی بی‌وفا شده است، انگار همه چیز و همه کس دست به یکی کرده‌اند که ترا بیازارند. خیلی سعی کردم دیگر مزاحمت نشوم، ولی زورم به دلم نمی‌رسد. شب که می‌شود، مهربان‌تر می‌شوم و یادم می‌گردد که با تو به هم زده‌ام، دوباره برایت شعر می‌گویم و به آلبوم عکس‌ها نگاه می‌کنم، هنوز از همه عکس‌ها چند تا عکس هست که دوست دارم، چندتا را از خاطر برده‌ام، چندتا را

## میراث

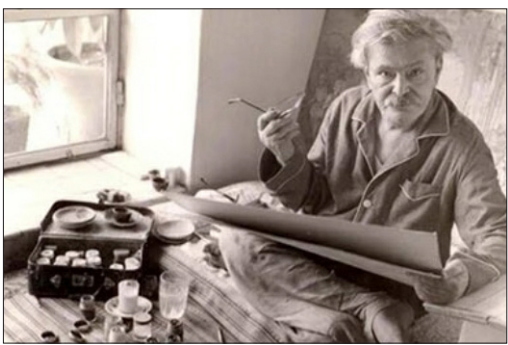
## کشف تونل‌های زیرزمینی «بلقیس» پس از ۱۸۰۰سال در اسفراین



تونل‌های زیرزمینی شهر بلقیس به صورت اتفاقی کشف شدند. این تونل‌های ترسناک قدمتی ۱۸۰۰ساله داشته و در نزدیکی شهر اسفراین قرار دارند. یک پروژه راهسازی عادی در نزدیکی اسفراین به کشف شبکه گسترده‌ای از تونل‌های زیرزمینی منجر شد. باستان‌شناسان این تونل‌های زیرزمینی را به قلعه‌ای به نام شهر بلقیس که در همان نزدیکی قرار دارد، مربوط می‌دانند. شهر بلقیس با مساحت ۵۱هزار متر مربع دومین قلعه بزرگ خشتی ایران (پس از ارگ بم) به حساب می‌آید. کاوش‌ها در تپه‌ها و مناطق اطراف نشان می‌دهند که شهر بلقیس حداقل قدمتی ۶هزار ساله داشته باشد. باستان‌شناسان بر این باورند که این منطقه در اواخر دوره ساسانیان و اوایل دوره اسلامی تا قرن هفتم میلادی در اوج شکوفایی خود بوده است. حتی در زمان حکمرانی نادرشاه افشار در قرن هجدهم میلادی نیز این قلعه فعال بود. البته ظاهراً بیشتر پیشرفت این بخش به علاقه پادشاهان ساسانی به آن مربوط می‌شده است. تاکنون کاوش‌های زیادی در شهر بلقیس انجام شده است که در نتیجه آن‌ها خانه‌ها، کانال‌های آبیاری، یک مخزن آب و یک ایوان سستون‌دار کشف شده‌اند. حالا نیز نوبت به تونل‌های زیرزمینی این منطقه مهم رسیده است. باستان‌شناسان از سال گذشته از وجود یک تونل زیرزمینی در این منطقه آگاه شده بودند؛ اما سازمان میراث فرهنگی به دلیل محافظت، هرگونه دسترسی به آن را مسدود کرده بود. حالا کارگران راهسازی از نقل‌های دیگر به این گنجینه ارزشمند تاریخی رسیده‌اند. طول تونل‌های زیرزمینی شهر بلقیس به ۱۸کیلومتر می‌رسد و جالب است که در آن‌ها یک دستشویی و یک آسیاب وجود دارند. همچنین در این تونل‌ها ظروف

## یاد

## حسین بهزاد؛ مینیاتوربستی که نوگرایی پیشه کرد



حسین بهزاد در ۱۲۷۳خورشیدی در تهران به دنیا آمد. جلدش میرزا لطف‌الله از اهالی شیراز بود اما پدرش میرزا فضل‌الله در اصفهان به دنیا آمد و در شیراز و اصفهان قلمدان‌سازی را یاد گرفت. خودش می‌گوید: «حسین ناشناخته و گنگی مرا به سوی نقاشی می‌کشید و من وقتی به پیروی از این احساس مندا یا قلم به دست می‌گرفتم، مثل تشنه‌ای که به برکه زلال و گوارایی رسیده باشد، حس می‌کردم که سیراب شده‌ام». هفت ساله بود که پدرش او را به شاگردی در دکان ملاعلی قلمدان ساز گذاشت. بعد از مدت کوتاهی پدرش و استاد ملاعلی هر دو به دلیل بیماری ویا درگذشتند و حسین همان‌جا نزد میرزا حسن پیکرنگار که شاگرد بزرگ‌تر ملاعلی بود، باقی ماند و ۱۲سال به‌عنوان شاگرد برای حسن پیکرنگار کرد. در آن‌جا در نسخه‌های سبک اواخر تیموری و صفوی تخصص پیدا کرد. در ۱۸سالگی نخست در کاروانسرای حاج رحمان خان و سپس در مجاورت شمس‌العماره کارگاه خود را باز کرد و بعدتر با میرزا غلام‌حسین خان میناسازباشی در کارگاهش در راسته طلاسازان بازار همکاری کرد. در ۲۴سالگی با دختر صاحبخانه خود سکینه مهرورزی ازدواج کرد که حاصل آن پسری به نام پرویز بود. بهزاد در ۱۳۲۵ خورشیدی به استخدام اداره باستان‌شناسی درآمد و متعاقباً در هنرستان هنرهای زیبا به تدریس پرداخت. او با میرزاده عشقی دوستی صمیمانه‌ای داشت و عشقی، بسیار به حجره محل نقاشی و کارگاه بهزاد رفت‌وآمد داشت. بهزاد سفارش‌های زیادی برای رونق‌گاری از آثار استادان قدیم می‌گرفت. او به سبک نگارگری مکتب صفوی و آثار هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی علاقه‌مند بود و چنان در کبیه و سبک آن‌ها مهارت و استادی به خرج می‌داد که تشخیص‌شان از آثار قدیم، دشوار بود. در این دوره است که بهزاد برای تذهیب یک نسخه قدیمی خمسه نظامی به کار گماشته شد که همچون تعداد زیادی دیگر از کارهای او به یک موزه غربی با مجموعه‌دار به‌عنوان یک اثر دوره صفوی فروخته شد. بهزاد در تعدادی نمایشگاه در داخل و خارج ایران شرکت کرد

## دریچه



Ulisses Araujo

## آلبوم

گاهی به من می‌بالی و بی من می‌میری، این‌ها را خودت به من می‌گویی. الان در این ساعت، دو ساعت گذشته است از دوازده شب، نه یک ساعت و پنجاه دقیقه گذشته است و یازده بار به تو زنگ زده‌ام که بیایی آمپول آرامش‌بخشی به من بزنی که کمی بترم‌گرم ولی گوششی را برنمی‌داری. از بس به ساعت نگاه کرده‌ام از هر ساعتی بدم می‌آید. اصلاً نمی‌خواهم بیایی فقط پیامکی بفرست و بگو آنجا امن و امان است و هیچ خبری نیست. چند پیام فرستاده‌ام، اگر ...راستی اینترنت که نیست، چرا پیام می‌نویسم. اصلاً. واقعا جان‌های شعله‌ور همیشه تنهایند. قمری مرگ‌آور بسالا انداخته‌ام ولی خوابم نمی‌برد. زندگی‌ام داستان و سریال دنباله‌داری است که نمی‌دانم آخرش چه می‌شود. اصلاً نمی‌خواهم بیایی، تا تو بیایی آب از سر جهان گذشته است. نکند اتفاقی برای تو افتاده باشد؟ من هر وقت با تو تماس می‌گیرم زود جواب می‌دهی. باید حرکت کنم بیایم وگرنه تا ابدالایاد نمی‌خواهم، چشم‌هایم نمی‌گذرند، چشم‌های من، عابران ای‌رها شده‌اند، پلک‌هایم مهربان نمی‌شوند. آلبوم را می‌بندم، از عکس آخری خوشم نمی‌آید، همیشه تنگ به دست دارم و تشر می‌زنم. دارم می‌آیم، سطر آخر را بنویسم، سلولورام را می‌پوشم.

## زنگ‌های سحر

خیزم که نماند بیش ازین تدبیرم  
خصم از همه شمشیر زند یا تیرم  
گر دست دهد که آستینش گیرم  
ورنه بروم بر آستانش میرم

## مشق تکلم

**رومی:** محلی است در سقف‌های هلالی به صورت نیم دایره.

**چینه:** دیواری که با ملات گل رس به صورت لایه‌ای اجرا می‌شود.

## مجازستان

تو اتوبوس یه جوری بخوابین که مردم تو زنده بودن تون ششک نکنن، ۵ تا ایستگاه استرس کنسیدم تا یارو تکون خورد و فهمیدم زنده‌اس.

(سزار سامان)

فحش جدید پیدا کردم «واتسپ صفت» کنایه از آدم به درد نخور، فصول، بی ثمر و اضافیه. (شمان)

تو بهشت‌زهره! یکی داشت سر قبری گرمی می‌کرد.

تو قطعه‌های قدیمی، سنی ازش گذشته بود.

می‌خورد اون که تو قبر خوابیده بچدش باشه یا

پدرومادارش. رقت کنارش. به بهانه‌های حرف زدم

باهاش. قاتل بود. به مرد هفتاد ساله. رضایت داده

بودند. بیش از سسی سال پیش. می‌گفت هر سال

می‌آد سر قبر مقول.(Alibozorg)

بوه دخترم گفتم: «این کار اشتباهه ما برای

کارامون قانون داریم» جواب داد: «بابا من ۶

سالمه قانونای خودمو دارم شمام باید به قانونام

احترام بذاری» فارغ از همه چی؛ قند توی دلم آب

شد که دخترم جرأت و شخصیت ابراز عقیده داره.

(کاپیتان فلیت)

## فناور

## آزمایش موفقیت‌آمیز بالون ناسا

### برای اکتشاف سیاره زهره

ناسا اخیراً دو پرواز آزمایشی نمونه اولیه بالون رباتیک اکتشاف زهره را با موفقیت انجام داد. مریخ این روزها توجه بسیاری از زمینیان را به خود جلب می‌کند اما اخیراً سیاره زهره نیز به طور فزاینده‌ای در کانون توجه قرار گرفته است. این توجه به طوری است که ناسا، «آژانس فضایی اروپا» و شرکت «راکت لب» همگی در نظر دارند طی سال‌های آینده مأموریت‌هایی را به آنجا بفرستند. علاوه بر اینها، ناسا در نظر دارد با به حرکت درآوردن یک بالون رباتیک موسوم به «ایروبات» در میان بادهای سیاره زهره، به اکتشاف در این سیاره سکونت‌ناپذیر بپردازد. به عنوان بخشی از تحقیقات برای این مأموریت، «آزمایشگاه پیش‌رانش جت» ناسا اخیراً دو پرواز آزمایشی نمونه اولیه بالون را بر فراز صحرای بلک راک نوادا انجام داد و پروازهای کنترل‌شده را در این فرآیند با موفقیت پشت سر گذاشت. فرستادن یک فضاپیما به سیاره زهره، پیشنهاد دشواری است زیرا فشار بسیار بالا، گرمای شدید و گازهای خورنده این سیاره، فضاپیما را تنها در چند ساعت بی‌فایده می‌کنند اما چند ده کیلومتر بالاتر از این منطقه غیر قابل سکونت، منطقی‌ای است که یک ایروبات می‌تواند کار می‌کنند. در این مفهوم، اگرچه مدارگرد بسیاری از جو باقی می‌ماند اما بررسی‌های علمی را انجام می‌دهند و به عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌کنند.

ایسن فرآیند، یک بالون رباتیک هوایی یا ربات هوایی با قطر حدود ۱۲متر به جو سیاره سفر می‌کند. نمونه اولیه بالون دارای یک مخزن داخلی سفت و پر از هلیوم و یک بالون هلیوم بیرونی است که می‌تواند منبسط و منقبض شود. در پیچه‌های هلیوم به گاز امکان می‌دهند تا از بین بخش داخلی و خارجی عبور کند، سطح شناور را تغییر دهد و در نتیجه، راهی را برای کنترل ارتفاع ایروبات به دانشمندان ارائه دهد. برای آزمایش این طرح، دانشمندان و مهندسان آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا و شرکت «هیبر اسپیس کوپریشن» دو پرواز را برای آزمایش نمونه اولیه بالونی انجام دادند که به اندازه یک سیم بالونی بود که قرار است به زهره برود.

آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا گفت: این بالون یک کیلومتر به سمت مکنای در جو زمین پرواز کرد که مشابه تراکی است که ایروبات در حدود ۵۵ کیلومتری بالای زهره تجربه می‌کند. موفقیت آزمایش‌های نوادا نشان می‌دهد که ایروبات می‌تواند برای هفته‌ها یا حتی ماه‌ها در ارتفاعات بالای سیاره زهره شناور باشد. ایروبات پس از نظارت کافی بر جو زهره و تجزیه و تحلیل ترکیب شیمیایی ابرهای این سیاره، با همه داده‌های جمع‌آوری‌شده، به وسیله مدارگرد همراه خود به زمین بازمی‌گردد. «کوپاکو ایئر لویوتز» متخصص فناوری رباتیک در آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا گفت: ما از عملکرد نمونه اولیه بسیار خوشحال هستیم. این نمونه پرتاب شد، مانورهای کنترل‌شده در ارتفاع را پشت سر گذاشت و پس از هر دو پرواز در شرایط خوبی بازیابی شد. وی افزود: ما کوهی از داده‌های این پروازها را ثبت کرده‌ایم و مشتاقانه منتظریم که از آنها برای بهبود مدل‌های شبیه‌سازی پیش از کاوش در سیاره زهره استفاده کنیم. از زمانی که شوروی با موفقیت از چنین طرحی به عنوان بخشی از مأموریت‌های «وگا» (۱۹۸۴ Vega) و «وگا-۲» (۲ Vega) در سال ۱۹۸۵ استفاده کرد،

بالون‌ها به عنوان روشی مناسب برای اکتشاف زهره در نظر گرفته شده‌اند. این دو بالون پر از هلیوم کمی بیش از ۴۶ساعت از میان بادهای سیاره زهره حرکت کردند تا اینکه باتری دستگاه‌های آنها تمام شد. آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا گفت: زمانی که آنها در این پروازها به سمت زمین بازمی‌گردند، اشاره‌های وسوسه‌انگیز به یک هدف علمی را نشان می‌دهد که می‌توان با فرستادن یک بالون بزرگ‌تر در جو سیاره به آن دست یافت.